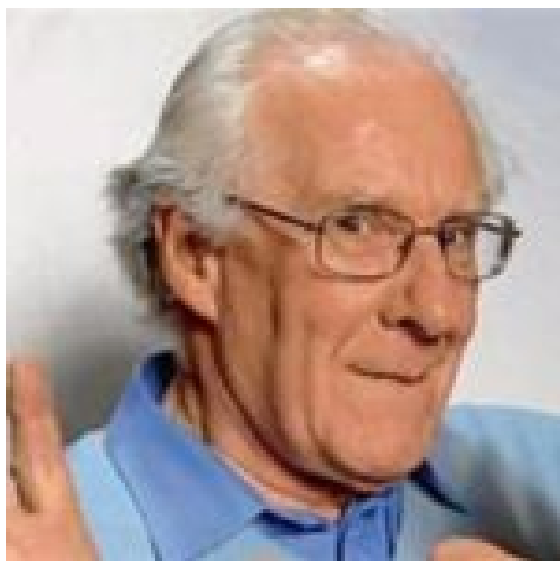


# اَلَن بَدیو: در این اوضاع اپیدمی، اعتبار دهیم به چشم‌اندازهای مبتنی بر سیاستی نوین با هدفی استراتژیکی



“اَلَن بَدیو، فیلسوف معاصر فرانسوی، متنی  
درباره‌ی اوضاع کنونی در شرایط اپیدمی کویید-19، زیر عنوان  
در 21 مارس 2020، اَلَن بَدیو، فیلسوف معاصر فرانسوی، متنی  
درباره‌ی اوضاع کنونی در شرایط اپیدمی کویید-19، زیر عنوان  
”.

[برای خواندن نوشته به زبان فرانسه در این جا کلیک کنید](#)

[برای خواندن نوشته به زبان انگلیسی در این جا کلیک کنید](#)

در 21 مارس 2020، اَلَن بَدیو، فیلسوف معاصر فرانسوی، متنی  
درباره‌ی اوضاع کنونی در شرایط اپیدمی کویید-19، زیر عنوان



بسیار از آن (با وجود اینکه این یک امر طبیعی است) در دسترس مردم عادی قرار گیرد. (ادامه دارد)

اما گفتار بَدیو، بیشتر متوجه جریان‌هایی است که به‌ویژه از راه شبکه‌های مجازی و اجتماعی، دست به یخس اکاذیب و "تئوری‌هایی" می‌زنند که از کمترین اساس علمی تهی می‌باشند. او می‌نویسد:

«بسیاری از افرادی که این‌گونه ادعاها را مطرح می‌کنند، در واقع هیچ تخصصی در این زمینه ندارند. آنها فقط می‌خواهند توجه دیگران را جلب کنند. این‌ها افرادی هستند که به دنبال اعتبار خود هستند، نه به دنبال حقیقت. این‌ها افرادی هستند که به دنبال هیجان هستند، نه به دنبال تفکر.» (ادامه دارد)

در همین راستا، بَدیو گرایش‌های مختلف در برخورد به اپیدمی کرونا را به چند نوع تقسیم می‌کند. این دسته‌بندی را به‌طور کامل در زیر از قول بَدیو می‌آوریم. چون، افزون بر اهمیت سیاسی و نظری آن، ویژگی نظرگاه بَدیو را نیز نشان می‌دهد. انتقاد و افشاگری او در این جا البته متوجه جریان‌ها و گرایش‌های فرانسوی است اما خوب می‌دانیم که می‌توان نقد بَدیو را به همه جا و همه‌جایی کشورها تعمیم داد.

«در این میان، ما شاهد دو نوع گرایش هستیم. یکی نوعی از انجمن‌گرایی است که در آن افراد در گروه‌های کوچک گرد می‌آیند و سعی می‌کنند از طریق این گروه‌ها، اقدامات خود را در جامعه انجام دهند. این نوع گرایش، نوعی از خودکفایی است. دیگری نوعی از بی‌بندگی است که در آن افراد هیچ گونه تعهدی به گروه ندارند و فقط به دنبال منافع شخصی خود هستند.» (ادامه دارد)

- نوع سوم، نوعی از بی‌بندگی است که در آن افراد هیچ گونه تعهدی به گروه ندارند و فقط به دنبال منافع شخصی خود هستند. این نوع گرایش، نوعی از بی‌بندگی است.

- نوع چهارم، نوعی از بی‌بندگی است که در آن افراد هیچ گونه تعهدی به گروه ندارند و فقط به دنبال منافع شخصی خود هستند. این نوع گرایش، نوعی از بی‌بندگی است.

- نوع پنجم، نوعی از بی‌بندگی است که در آن افراد هیچ گونه تعهدی به گروه ندارند و فقط به دنبال منافع شخصی خود هستند. این نوع گرایش، نوعی از بی‌بندگی است.

- در این باره، به نظر می‌رسد که تصور می‌پردازد که معتقد است که این گونه پدیدارها، چون اپیدمی، می‌توانند، «...»، «...» را باز گشایند. او توافقی با این وهم و پندار ندارد، اما بر این باور است که این مصیبت می‌تواند شرایط پیشرفت امر انتقال داده‌های علمی در باره‌ی اپیدمی را فراهم آورد و در ضمن کمک کند به قدرت‌گیری سیاسی اعتقادات نوینی در زمینه‌ی مربوط به امور پزشکی و بهداشت عمومی، در مورد سیاست آموزشی برابرا نه، مراقبت از سالمندان و مسائلی از این دست. این‌ها، در شرایط اپیدمی کنونی، مواردی هستند که ضعف‌ها و کاستی‌های خطرناک سیاست‌های سنتی رژیم‌های امروزی در فرانسه و جهان را نمایان می‌سازند.

- در این باره، به نظر می‌رسد که معتقد است که این گونه پدیدارها، چون اپیدمی، می‌توانند، «...»، «...» را باز گشایند. او توافقی با این وهم و پندار ندارد، اما بر این باور است که این مصیبت می‌تواند شرایط پیشرفت امر انتقال داده‌های علمی در باره‌ی اپیدمی را فراهم آورد و در ضمن کمک کند به قدرت‌گیری سیاسی اعتقادات نوینی در زمینه‌ی مربوط به امور پزشکی و بهداشت عمومی، در مورد سیاست آموزشی برابرا نه، مراقبت از سالمندان و مسائلی از این دست. این‌ها، در شرایط اپیدمی کنونی، مواردی هستند که ضعف‌ها و کاستی‌های خطرناک سیاست‌های سنتی رژیم‌های امروزی در فرانسه و جهان را نمایان می‌سازند.

در ادامه، به‌دیو به نقد آن تصویری می‌پردازد که معتقد است که این گونه پدیدارها، چون اپیدمی، می‌توانند، «...»، «...» را باز گشایند. او توافقی با این وهم و پندار ندارد، اما بر این باور است که این مصیبت می‌تواند شرایط پیشرفت امر انتقال داده‌های علمی در باره‌ی اپیدمی را فراهم آورد و در ضمن کمک کند به قدرت‌گیری سیاسی اعتقادات نوینی در زمینه‌ی مربوط به امور پزشکی و بهداشت عمومی، در مورد سیاست آموزشی برابرا نه، مراقبت از سالمندان و مسائلی از این دست. این‌ها، در شرایط اپیدمی کنونی، مواردی هستند که ضعف‌ها و کاستی‌های خطرناک سیاست‌های سنتی رژیم‌های امروزی در فرانسه و جهان را نمایان می‌سازند.

به‌دیو در این جا اشاره دارد به پیدایش این کمبودها و بی‌کفایتی‌های بزرگ - چون کمبود تجهیزات ایمنی (ماسک‌های حفاظتی...)، عدم آمادگی بیمارستان‌ها و غیره - که در این مبارزه‌ی عمومی یا در این جنگ با اپیدمی، هم اجتناب‌ناپذیر و هم ساختاری‌اند. این‌ها همه در عین حال از سیاست‌های دولت‌ها در تضعیف بخش‌های عمومی، بهداشتی، اجتماعی، خدماتی... ناشی می‌گردند که طی چندین دهه، حداقل از سی سال پیش به این سو، در فرانسه اجرا می‌شوند. اما به‌دیو در ضمن گوشزد می‌کند که به جز شاید چند داشمند کسی واقعه‌ی اپیدمی کرونا را پیش‌نکرده بود و می‌نویسد:

«...» در این باره، به نظر می‌رسد که معتقد است که این گونه پدیدارها، چون اپیدمی، می‌توانند، «...»، «...» را باز گشایند. او توافقی با این وهم و پندار ندارد، اما بر این باور است که این مصیبت می‌تواند شرایط پیشرفت امر انتقال داده‌های علمی در باره‌ی اپیدمی را فراهم آورد و در ضمن کمک کند به قدرت‌گیری سیاسی اعتقادات نوینی در زمینه‌ی مربوط به امور پزشکی و بهداشت عمومی، در مورد سیاست آموزشی برابرا نه، مراقبت از سالمندان و مسائلی از این دست. این‌ها، در شرایط اپیدمی کنونی، مواردی هستند که ضعف‌ها و کاستی‌های خطرناک سیاست‌های سنتی رژیم‌های امروزی در فرانسه و جهان را نمایان می‌سازند.

در این مقاله، به بررسی مفهوم «فرانسه» در فلسفه فرانسیس جکسون و پیوند آن با نظریه‌های پسا-مدرنیسم می‌پردازیم. جکسون در کتاب «فرانسه» (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که فرانسه به عنوان یک مفهوم فلسفی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و تاریخی خود را فراتر می‌برد و به یک ابزار برای تحلیل روابط بین‌المللی و هویت تبدیل می‌شود. این مقاله به بررسی این استدلال‌ها و تأثیرات آن بر تفکر معاصر می‌پردازد.

به طور کلی، درسی که بَدیو از این اوضاع می‌گیرد این است که اپیدمی کنونی به گونه‌ای است که هیچ نتیجه‌ی سیاسی مشخصی در کشورها چون فرانسه به وجود نخواهد آورد. او می‌نویسد: «...»

سرانجام فیلسوف فرانسوی با این نتیجه‌گیری نظری - سیاسی جستار خود را به اتمام می‌رساند:

«...»

[فرانسه] ...

... - ...

[trans-national] ...

... [منظور دورانی است که از مانیفست کمونیست تا کمون پاریس ...

... [مرود] ...

... [منظور بمرحله‌ی سوسیالیسم واقعاً موجود از انقلاب اکتبر 1917 تا فروپاشی این سیستم در دهه‌ی 1980 است] ...

...»

<https://urlz.fr/ccmV> : پی دی اف به زبان انگلیسی

<https://urlz.fr/ccmP> : پی دی اف به زبان فرانسه

گزارش از شیدان وثیق

فروردین 1399 - مارس 2020

---

هر روزتان نوروز  
نوروزتان پیروز



در بهاری دیگر  
بسازیم همچو سی مرغ  
جهانی دگر را

هر روزتان نوروز نوروزتان پیروز  
به امید برپایی  
جمهوری، دموکراسی و لائیسته  
در ایران



---

**نسرین ستوده را فوراً آزاد  
کنید!**

**ویدئویی از  
عفو بین‌الملل  
برای آزادی  
نسرین ستوده  
18 مارس 2019**

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2020/03/nasrin-sotoudeh-video-amnesty->

# روزشمار رویدادهای کارگری در ایران: بهمن 1398

از انتشارات نهادهای همبستگی با کارگران در ایران  
- خارج کشور

تهیه و تنظیم توسط

فعالین نهادهای همبستگی با کارگران در ایران -  
کلن

( 11 )

[در اینجا کلیک کنید](#)

## درگذشت فریبرز رئیس‌دانا



# بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران

درگذشت فریبرز رئیس‌دانا ضایعه‌ای بزرگ برای کانون نویسندگان ایران، جامعه‌ی فرهنگی و ادبی مستقل، جامعه‌ی مدنی و کنشگران صنفی کشور است. کانون نویسندگان ایران درگذشت او را به خانواده‌اش و به مردم ایران تسلیت می‌گوید و امیدوار است در اولین زمان ممکن مراسم یادبودی درخور - قدر - والای او برگزار کند

کانون نویسندگان ایران - رئیس دانا

فریبرز رئیس‌دانا، نویسنده، اقتصاددان و عضو قدیمی و برجسته‌ی کانون نویسندگان ایران که در تاریخ بیستم اسفند ۱۳۹۸ به دلیل احتمال ابتلا به ویروس کرونا در بیمارستان تهرانپارس بستری شد، ساعت پنج صبح دوشنبه بیست و ششم اسفند ماه درگذشت.

فریبرز رئیس‌دانا نویسنده‌ی آزادی‌خواه، روشنفکری متعهد و برابری‌طلب، اقتصاددانی پرآوازه، صدای بی‌صدایان و زبان گویای کارگران و فرودستان و مدافع سرسخت آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا بود. دارای شخصیتی ممتاز و چند وجهی بود و همزمان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حضور همزمان و مداوم داشت. فعالان کارگری، کنشگران محیط زیست و فعالان حوزه‌ی زنان از یاری‌اش برخوردار بودند، پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی از دانش و بینش او بهره می‌بردند و شاعران و نویسندگان آرای انتقادی او را ارج می‌نهادند. از این رو از محبوب‌ترین روشنفکران زمانه‌ی ما بود و جمع کثیری از مردم، صداقت و شجاعت او را در بیان حقایق و افشای فساد گسترده‌ی حاکم بر اقتصاد و سیاست کشور می‌ستودند. چنین ویژگی‌هایی سبب شد که حاکمیت، حضور او را که از مجرب‌ترین استادان علم اقتصاد بود، در دانشگاه‌های کشور تاب نیاورد؛ با احضارها و بازجویی‌های مکرر آزارش دادند و به جرم انتقاد از سیاست‌های اقتصادی کشور و پیش‌بینی عواقب زیان‌بار اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها که به فقیرتر شدن اقشار فقیر جامعه انجامید، به زندان محکومش کردند.

فریبرز رئیس‌دانا از امضاءکنندگان متن ۱۳۴ نویسنده بود و در دو دهه‌ی گذشته در کانون نویسندگان ایران همواره حضوری موثر داشت. پس از قتل جنایتکارانه‌ی محمد مختاری و محمدجعفر پوینده لحظه‌ای از خونخواهی و ادامه دادن راه آنها باز نایستاد. حضور همه ساله‌ی او

در مراسم سالگرد آن دو، حتی هنگامی که از بیماری سرطان رنج می‌برد، مایه دلگرمی و الگوی وفاداری و مقاومت برای اعضای کانون نویسندگان ایران بود. وی سه دوره عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران بود و در آخرین مجمع عمومی (بهمن ۱۳۹۷) به عنوان بازرس مالی کانون برگزیده شد. به پاس دو دهه همدلی و همراهی‌های بی دریغش، کانون نویسندگان ایران در اسفند ماه سال ۱۳۹۵ مراسم بزرگداشت او را برگزار کرد.

فریبرز رئیس‌دانا در شرایطی چشم از جهان فروبست که کشور ما را بحرانی عمیق و فاجعه‌بارناشی از شیوع ویروس کرونا فراگرفته است. او از میان ما رفت، بی آن که محقق شدن آرمان‌های شریف انسانی‌اش را به چشم ببیند و شاهد برچیده شدن بساط سانسور، استثمار، فقر و نابرابری باشد. با این وجود با ده‌ها اثر ارزشمند که در زمینه‌های اقتصاد سیاسی، شعر و نقد ادبی از خود به یادگار گذاشت، بذر امید و مبارزه برای تحقق برابری و آزادی اندیشه و بیان بی هیچ حصر و استثنا را در جامعه‌ی ما پراکند.

درگذشت فریبرز رئیس‌دانا ضایعه‌ای بزرگ برای کانون نویسندگان ایران، جامعه‌ی فرهنگی و ادبی مستقل، جامعه‌ی مدنی و کنشگران صنفی کشور است. کانون نویسندگان ایران درگذشت او را به خانواده‌اش و به مردم ایران تسلیت می‌گوید و امیدوار است در اولین زمان ممکن مراسم یادبودی درخور قدر و والای او برگزار کند.

## کانون نویسندگان ایران

۲۷ اسفند ۱۳۹۸

---

# سال کرونومی

حسن بهگر

سال کرونومی می گویم مثل سال وبایی و طاعون. بلایی است که برای همه جهان رسیده ولی برای کشور بلادیده ما همین یکی کم بود تا تراژدی این ملت اسیر را کامل کند.



بحران های ناشی از بلایای طبیعی یا حملات تروریستی ، شیوع بیماری و... برای هرکشوری رخ می دهد. اینها حوادث غیر مترقبه ای است که معمولاً کسی انتظارشان را ندارد، ولی چون مسأله مرگ و زندگی شهروندان مطرح است، نمونه ی خوبی است از میزان درک مسئولیت حاکمان و شیوه ی مملکتداری آنها. حتی این بلا هم ملایان را از رفتار همیشگیشان منحرف نکرده است. هنوز در بوق خرافات می دمند و هنوز سعی می کنند تقصیرها را گردن هم بیندازند و مردم هم متوجه عدم صداقت رژیم هستند که دروغگویی اش اظهارمن الشمس است و هر مسئول بی مسئولیتی یک چیزی می گوید.

تأخیر در خبرسانی بموقع بیماری کرونا و پیشگیری از شیوع آن و ناتوانی در رساندن کمک های اولیه موجب خشم شدید مردم شده. ولی حکام، درکمال بی غیرتی، چون ناتوان از مدیریت هستند، فقط برای کفن و دفن مرده ها فتوا صادر می کنند. یعنی همان چیزهایی که در حوزه یاد گرفته اند. بی کفایتی و بی لیاقتی رژیم مسخره عالم شده و بی آبرویی گردن همه ی ایرانیان را گرفته.

آنچه که در کشورهایی که حساب و کتاب سرشان می شود و زندگی شهروندانشان برایشان ارزش دارد، دیده ایم اینست که در این مواقع یک تیم بحران درست می کنند و یک روابط عمومی که به مردم پاسخ بگویند و مردم را بسیج کنند و همیاری آنان را جلب نمایند. خبرسانی باید از یک منبع مورد اطمینان پخش شود تا شایعات مردم را بیشتر نترسانند. ولی طبق معمول حکومتی که توتالیتراست فقط در سرکوب همه وسایل را به کار می گیرد ولی در سایر امور درمانده است. بازار شایعات داغ است و هرکسی طبابت میکند و یک نسخه ای می نویسد و مردم بیچاره به هر چه دستشان برسد برای نجات جانشان متوسل می شوند. حکایت ملانصرالدین است که به زنش خرجی و نان و غذا نمی داد ولی او را روزانه مرتب کتک می زد. وقتی همسایگان به او اعتراض کردند که ملا این چه حرکتی است ، می گفت اگر او را کتک نزنم چه جوری ثابت کنم که من شوهر او هستم.

سرعت عمل در مواقع بحرانی حرف اول را می زند. ولی وقتی طائب رئیس اطلاعات سپاه خبر رسانی را دو هفته محض بهره گیری سیاسی به تعویق می اندازد تا خللی در انتخابات و تظاهرات 22 بهمن وارد نیاید، اوضاع از کنترل خارج می شود و عمق نادانی و نفهمی مدیران کشور به نمایش درمی آید.

این بار تفاوتی که ایران با سایر جوامع پیدا کرده، افرون بر داشتن یک دولت نالایق و سرکوبگر، نوعی بی قیدی نیز هست که همه جا را گرفته. مردمی که همواره با بحران زیسته اند، نومیدانه مرگ را هم به مسخره گرفته اند و در حقیقت از شدت نومیدی به استقبال مرگ شتافته اند. در جایی که صحبت از قرنطینه است، مردم اقدام به مسافرت می کنند گویی به زبان بی زبانی می گویند ای مرگ بیا که زندگی ما را کشت!

حاکمان باید سیاست مشخص و استراتژی معینی داشته باشند که دیگران را موظف به تبعیت از آن بکنند و متخلفین را مجازات کنند. ولی در این بحران بقدری آشفتگی وجود دارد که حکومت تا این ساعت نتوانسته است بر دستپاچگی غلبه کند و مراکز متعدد تصمیم گیری بر این مشکلات افزوده است. با وجودی که در چند شهر مانند گیلان و قم وضع فوق العاده و بالاتر از قرمز گزارش می شود هنوز قرنطینه ای در کار نیست.

حکومت ها معمولاً در این مواقع فرصتی می یابند تا مشروعیتی از مردم کسب کنند ولی برای حکومتی سرکوبگر که همین چندی پیش کشتار آبانماه را بر جنایات قبلی افزوده این سهل انگاری و بی مسئولیتی که منجر به کشتار هموطنان ما شده از یاد کسی نخواهد رفت و سرانجام کتاب سراسر ننگ زندگی ننگین این رژیم را خواهد بست.

حسن بهگر

چهارشنبه - 21 اسفند 1398

2020-03-11

برگرفته از سایت [www.iranliberal.com](http://www.iranliberal.com)